

حمزه نامه

نهاد آغازین در روابط هنری ایران و شبه قاره

دکتر سید مهدی غروی^۱

چکیده: شادروان استاد محیط طباطبایی در سال ۱۳۵۴ مقاله‌ای دربارهٔ حمزه‌نامه و مجلسهای آن ارائه کرد که به این پرسش پایان می‌یافت: «آیا حمزه‌نامه به هند برگردانده شد و یا در ایران ماند و پراکنده گردید، چه سرنوشتی پیدا کرد؟ برای من (استاد محیط) معلوم نیست». ولی برای نگارندهٔ این پژوهش روشن است که حمزه‌نامه نیز برمبنای قولی که نادرشاه به محمد شاه داده بود، به هند برگردانده شد. وی در آن زمان در هند بوده و مقاله‌ای در این باب و برمبنای همان گفتار همراه با اطلاعات جالب دیگر که تا حدودی می‌تواند از تهمت غارتگری نادر در هند بکاهد، تهیه کرده است. همچنین در این مقاله از تشکیل مکتب نقاشی هند و ایران در زمان همایون و نوشته و مصور شدن حمزه‌نامه در عصر اکبر پادشاه سخن به میان آمده و در ارتباط با انتقال غنایم جنگی از هند به ایران در عصر نادر، مطلب پی‌گیری گردیده و موقعیت کنونی مجلسهای گرانهای این کتاب عظیم در جهان کنونی شناسانده شده است.

در پاییز ۱۳۷۵ دوست دانشمندم آقای دکتر محمد سلیم اختر بنده را برای شرکت در سمینار خاندان حکومتگر کلهورای سند، در سدهٔ هیجدهم میلادی، دعوت کردند و گفتند شما با تحقیقاتی که دربارهٔ مجموعهٔ کلان حمزه‌نامه دارید،

۱. عضو هیئت علمی دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی شبه قاره، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

فرصت خوبی است که در این سمینار شرکت کرده، از نادر که در شبه قاره متهم به غارتگری کتاب است دفاع کنید، ایشان در این رابطه متنی را در اختیار اینجانب گذاشتند که بخشهایی از آن را به عنوان مدخل این گفتار ارائه می‌کنم:

«...، سهروردی هستیم، رساله سهروردیه و رساله چهارده خانواده نزدمایان موجود بود، لکن با آمدن آن سفاک ناپاک (مقصود نادر شاه است) بر ملک سند همگی رفتند^۱».

در این گفتار با بررسی حمزه‌نامه خواهیم دید که این اتهام درست نیست. خاندان تیمور از دید فرهنگ و هنر در تاریخ عصر اسلامی ایران مقامی برجسته دارند. بابر بنیانگذار حکومت تیموری هند (در این مقاله خاندان بابری^۲) که با کمک شاه اسماعیل صفوی موفق به تحصیل قلمرو از دست رفته در منطقه کابل و پیشاورکنونی شده بود، هنگام بازگشت با اینکه بسیار جوان بود، سفرنامه‌ای تحت عنوان توزوک بابری نوشت که در نوع خود کتاب مهمی است، در حکم یک شاهکار، این کتاب در عصر جانشینی وی به فارسی برگردانده و با تصویرهای بسیار خوب نوشته شد که هم اکنون در دست است.

جانشین وی همایون که پس از شکست ارشر شاه به شاه طهماسب صفوی پناهنده شد، مدتی همراه زن و همسرش در ایران زیست و بیش از هر چیز تحت تأثیر جو هنری دربار شاه طهماسب قرار گرفت. شاه طهماسب با وی مانند برادر رفتار کرد و در برابر الماس بزرگی که همایون به وی پیشکش کرد یک مجموعه کوچک هنری شامل خط و نقاشی به گلبدن همسر وی داد، که هم اکنون در موزه ملی نگهداری می‌شود و بدان جنگ شاه طهماسب لقب داده‌ایم و در نوع خود شاهکاری رسا بی‌نظیر^۳.

ملاحظه این جنگ که خود یادآور نقاش معرف و معاصر بابر، کمال الدین بهزاد و شاگردانش از جمله میرسید علی تبریزی و عبدالصمد شیرینقلم بود، همایون را برآن داشت که در بازگشت به هند این هنرمندان را با خود به افغانستان و از آنجا به هندوستان ببرد، که البته با مخالفت شاه طهماسب مواجه شد. اما پدر میرسید علی، میرمصور که پنهانی هزار تومان از همایون گرفته بود خود را به کابل رسانید و به همایون پیوست. این رویداد در حقیقت تکوین‌کننده سبک نقاشی معروف ایران و هند بود^۴.

همایون یک هنردوست واقعی بود و آرزو داشت که اکبر نیز هنردوست و

هنرمند شود. از اینرو وقتی میرمصور*^۴ و پسرش میرسید علی به کابل رسیدند، همایون اکبر را نیز به کارآموزی واداشت ولی اکبر به تاریخ و فلسفه و اخلاق بیشتر علاقه داشت، اگرچه با وجود کوششهای پدرش بیسواد ماند، کتابها را برایش می خواندند و وی محتوای کتابها را به خاطر می سپرد و با توجه کامل به محتوای این کتابها، در طول زندگی خود، به علم و دانش بشری و روابط اجتماعی ملل بصیرت کامل یافت و تمام مسایل را با دیدی عمیق و فیلسوفانه برانداز می کرد. وی تمام آثار کلاسیک را که برایش خوانده بودند می شناخت^۵ ولی در میان همه این آثار، حمزه نامه فارسی را که آمیزه ای از داستانهای اسلامی - ایرانی است خیلی دوست داشت و در هر فرصت مانند یک قصه گوی حرفه ای داستانهای حمزه نامه را برای درباریان خود از حفظ نقل می کرد و به موجب نوشته های هر سه کتاب بزرگ تاریخ عصر اکبر (آیین اکبری، تاریخ فرشته و مآثر الامرا) تدوین کتاب حمزه نامه در عهد اکبر و به فرمان وی صورت گرفته است.^۶

بدایونی مورخ معروف عصر اکبر حتی آغاز تهیه مجموعه حمزه نامه را در عصر همایون غیر محتمل می داند. خلاصه نظرات وی که در منتخب التواریخ آمده این است: در ۱۵۸۲ م. نقاشی مهابهارات فارسی آغاز شد. در سال ۱۵۷۵ م. تحول روحی و فکری اکبر سبب شد که به سنن و آیین هندوان توجه بیشتر کند و هنرمندان ناچار شدند که نقاشی حمزه نامه و شاهنامه را زودتر تمام کرده، دست به کار تهیه تصویرهای کتاب مهابهارات شوند.^۷ با توجه به مهمترین نقاشی برجای مانده از میرسید علی به نام (مجلس خاندان تیموری)^۸ که بکلی از نفوذ نقاشی هند خالی است می توان گفت که همایون فکر تأسیس نقاشخانه و کارگاه کتابسازی را پس از بازگشت از ایران داشته و نخست آن را در کابل تأسیس کرده، سپس به لاهور برده است و اولین کتابی که نقاشی آن آغاز شده شاهنامه بوده و مدتی پس از آن، برمبنای علاقه مندی اکبر و سیاست اسلام گرایی بابری، نقاشی حمزه نامه آغاز شده و تهیه این دومی پانزده سال طول کشیده است (از ۱۵۷۰ تا ۱۵۸۵)، و هنوز تمام نشده است. بار دیگر، اکبر دچار تحول فکری شده و به مسلک هندویی گرایش یافته و دستور داده است که نقاشی مهابهارات را آغاز کنند و به انجام برسانند. توپر

* در کتاب هنر و معماری هند و ایرانی کلارک به اشتباه میرمصور ذکر شده است.

هوچک*^۱ معتقد است که فقط دو تابلو حمزه‌نامه پیش از ۱۵۷۰ تهیه شده، و نقاشان ایرانی و هندی هنگام تهیه مجلسهای دارابنامه لندن، شاهنامه مونیخ و تیمورنامه بانکیپور، یک دوران خلق و پرهیز را طی می‌کردند. در این دوران هنرمندان کوشش داشتند که در حد توان از تقلید دو اسلوب مختلف هندی و ایرانی پرهیز کنند و سبک جدیدی را از ترکیب آن دو اسلوب خلق و ارائه نمایند. این دوران تا سال ۱۵۹۰ طول کشید، بنابراین، حمزه‌نامه را نیز باید محصول این دوره دانست.^۹ بدایونی می‌نویسد که در سال ۱۵۸۲ سال ۲۸ پادشاهی اکبر جشنی گرفتند و در آن جشن، تعدادی پرده نقاشی آویخته شده بود (احتمالاً مجلسهایی از حمزه‌نامه) در میان آثار نوینی هم که پس از ۱۵۹۰ خلق شده و دارای سبکی پخته و جا افتاده می‌باشند شاهنامه، تیمورنامه، بابرنامه، جوامع الحکایات، تاریخ الفی و اکبرنامه را باید نام برد.^{۱۰}

در تاریخ فندهاری که یکی از بهترین مؤلفه‌های عصر اکبر است، درباره تکوین حمزه‌نامه چنین آمده است:

«بدایع نگاری که قصه امیر حمزه را که سیصد و شصت داستان است، هریک داستان او را مع مجالس حکم شده که تصویر فرمایند و تا صد نفر مضمون و نقاش و مجلد ببیدل در آن کتاب کار می‌کنند و قطع آن یک گز و نیم شرعی و کاغذ الوان تمام وصالی کرده و حاشیه جلکاری و در میان دو کاغذ پارچه جوتار در آورده که بغایت مستحکم باشد و تمام صفحات تذهیب و تشعیر است و فرمان صادر شده که منشیان نادر البیان چون طوطی شیرینزبان در هر داستان آن قصه را داستانسرایی نموده، قصه را موزون و مسجع سازند و خوشنویسان زرین‌قلم و عطار در رقم در قید کتابت آورند؛ با وجود این، در هر دو سالی یک جلد طیار می‌شود و هر جلدی تخمیناً دو لک روپیه سیاه صرف مایحتاج آن می‌شود.

ای در ابداع سخن چهره‌گشای اسرار

قصه‌ات بر سر دیوان شرف حکم‌گذار ۱۱

برمبنای آیین اکبری، تعداد مجلدات کتاب ۱۲ و حاوی ۱۴۰۰ نقاشی بوده است. بازیل گری*^۲، بدون ذکر مأخذ تعداد مجلدات حمزه‌نامه را ۱۷ مجلد نوشته

*^۱ - Tubor Hojek

*^۲ - Basil Grey

است و می نویسد که تدارک آن ۱۷ سال طول کشید^{۱۲}. استوارت ولش*^{۱*} محقق آمریکایی در کتاب هنر هند و ایرانی خود تعداد مجلدها را ۱۴ می داند که در میان سالهای ۱۵۶۱ تا ۱۵۷۶ ساخته شد و ۵۰ نقاش در تهیه آن مشارکت داشته اند. در حالی که بازیل گری تعداد نقاشان را صد نفر می نویسد، که بیشترشان بومی بوده اند و کار هم به صورت دستجمعی صورت می گرفته، مثلاً کشیدن صورت، کار هنرمند خاص می گردید و یک نفر مأمور تعیین رنگها بوده است^{۱۳}.

بدین روال نقاشان عهد اکبر با تهیه تصویرهای حمزه نامه و چند کتاب دیگر دوران آزمایش و کارآموزی را به پایان رساندند و آثاری که پس از این دوره خلق شد همه را می توان در سلک نقاشی هند و ایران قسمت بندی کرد.

روش نقاشی حمزه نامه در صفحه های نخستین خیلی نزدیک به سبک صفوی ایران است و بتدریج نقاشیها خود را از زیر بار تأثیر این نفوذ رها می سازند و هنرمندان تحت تأثیر مکتبهای هند قرار می گیرند. مثلاً اگر آن نمونه از مجلسهای حمزه نامه را که بازیل گری انتخاب کرده،^{۱۴} و صحنه ای از تیراندازی مهردخت دختر ایرانی را نشان می دهد بررسی کنیم، نفوذ شدید مکتب جنوب هند، دکن در طراح جنگل و درختها کاملاً هویدا است و ساختمانها شبیه قصر سن سینک در گوالیور (در جنوب دهلی و آگرا) ساخته شده اند. مسجدی که در تصویر دیده می شود شبیه است به مسجد احمد آباد گجرات و چهره یکی از دختران مانند چهره دختران جنوب هند، تیره تصویر شده است. و در نمونه دیگر که تولد رسول اکرم و سقوط بتها را در همان زمان نشان می دهد، طرح قصر دارای پایه کشمیری است و منظره پشت صحنه کاملاً شبیه مناظر راجستان در مغرب هند است^{۱۵}. در بسیاری از نقاشیها، لباسها لباس عهد اکبر است و فیل و میمون که خاص هند می باشند در صحنه ها آورده شده است.

از ویژگیهای مهم نقاشیهای حمزه نامه و فور شخصیتها در هر صحنه است که نقاش خواسته است که برخلاف نقاشیهای متداول عصر، حالات روحی مختلف شخصیتها را کاملاً مشخص سازد، و به همین دلیل این امکان هست که مذهبیهای افراطی در طی دهه های بعد، از روی تعصب دینی، نقاشیها را به خاطر احتوای صورت قدیسین سر به نیست کرده باشند.

گفتیم که مؤسس اصلی نقاشی هند و ایرانی میرسید علی تبریزی پسر میرمصور است و پس از او عبدالصمد شیرینقلم، که چند سال بعد از میرسید علی به هند آمد^{۱۶}.

در طبقات اکبری درباره میرسید علی آمده است: یکی از نقاشان حمزه‌نامه شاعر و هنرمند دربار اکبری به نام سید علی بود که شانزده جلد داستان امیرحمزه را نقاشی کرده، به لقب نادرالملک سرافراز گردید، وی لقب همایونشاهی نیز داشت و همایون نیز از او قدردانی می‌کرد^{۱۷}. بدایونی هم او را مانی هندوستان نامیده، وی شاعر نیز بوده است و دیوانش را خودش ترتیب داد^{۱۸}.

بدیهی است در خوشنویسی کتاب نیز عده‌ای مشارکت داشته‌اند که خود نیاز به بررسی جداگانه دارد و در این گفتار به یکی از خوشنویسان کتاب که استاد دکتر سلیم اختر شناسایی کرده‌اند، اشاره می‌کنیم:

ذکر خیرمیرکلنگ از سادات هرات که پس از تسلط عبیداله‌خان ازبک و کوچ دادن مردم به هرات وی نیز به هرات روانه گردید. میرکلنگ از خوشنویسان بیبدل و از شاگردان رشید ملا میر علی بود که همراه خواجه محمد اسحاق در هند به خدمت شاه اکبر مشرف شدند و از جمله کتابت‌خانه بودند. ایشان و میردوری و حافظ محمد امین شاگرد میرسید احمد با چند خوشنویس بیبدل قصه امیر حمزه را که مصنف ساخته و پرداخته و مجلد کرد، در آنجا خوشنویسی می‌کردند... سپس مؤلف بر مبنای یک جلد دیوان خواجه حسین به خط میرکلنگ که در دست داشته می‌نویسد: یک جلد دیوان خواجه حسین به خط میرکلنگ در دست فقیر افتاده بود که کم از خط سلطان محمدنور و سلطان محمدخندان نبود، وی به فارسی هم شعر می‌سرود^{۱۹}.

به عنوان آخرین مرجع باید نگاهی هم به مجموعه تاریخ و فرهنگ مردم هند، جلد هفتم داشته باشیم. در این کتاب که فصلی را به نقاشی هند و ایرانی اختصاص داده است به نسخه‌های خطی حمزه‌نامه در کتابخانه تری بی‌کین تن، جونپور و خمسه امیر خسرو و شاهنامه بنارس به معرفی حمزه‌نامه می‌پردازد و آن را به عنوان مهم‌ترین اثر خلق شده در این عصر معرفی می‌کند و یکی از نقاشیهای حمزه‌نامه را نیز در بخش تصویرهای کتاب می‌گنجاند^{۲۰}.

در اینجا نیز تعداد تصویرها را ۱۲۰۰ برگ می‌داند که با رنگهای خام و

تندروی پارچه با ابعاد ۲۰ در ۲۷ اینچ (۶۸×۵۰ سانتیمتر) تصویر شده‌اند. درباب پراکندگی تصویرهای برجای مانده از حمزه‌نامه می‌نویسد که تعداد معدودی ازین مجلسها در موزه‌های انگلستان، ایالات متحده آمریکا و هند (سه پرده) برجای مانده است.

در این کتاب از علاءالدوله قزوینی به عنوان یکی از نقاشان اصلی حمزه‌نامه نام برده شده و در جای دیگر فهرستی از شانزده نقاش معروف دربار اکبر که در تهیه حمزه همکاری داشته‌اند ذکر کرده است. نقل قولی از ابوالفضل^{۲۱}.

اکنون سفرها و سرنوشت حمزه‌نامه را بررسی می‌کنیم:

استاد محیط طباطبایی هنگام معرفی مرقع گلشن متوجه می‌شوند که این اثر هنری مهم پس از تنظیم نخستین، اوراق شده و دوباره مرتب و صحافی شده و آنچه در دست ماست همین تنظیم اخیر است و هنگامی که درباره تولد و حیات این اثر و سرنوشت میمون آن که رسیدن به کتابخانه گلستان (سلطنتی سابق) است سخن به میان آورده می‌نویسند:

«در بادی امر شاید به خاطر برخی از افراد پیجو خطور کند که این مرقع مانند تخت طاووس قدیم و الماسهای کوه‌نور و دریای نور از پیشکشهای محمد شاهی بوده و در سفر هند بعد از تاجبخشی او به محمد شاه، با نادر به ایران آمده باشد و متوالیاً در خانواده‌های افشار و زند و قاجار دست به دست گشته تا به ناصرالدین میرزا ولیعهد محمد شاه قاجار رسیده است»^{۲۲}.

این تصور که آسانترین و ساده‌ترین احتمال درباره وجود این مرقع در این کتابخانه است با مختصرکنجکاو و دقت از میان برداشته می‌شود، زیرا هیچ‌گونه اثری به اوراق آن دیده نمی‌شود که نشان دهد این مرقع قبلاً در کتابخانه یکی از پادشاهان ایران وارد شده و در عرض تفتیش و یا در ثبتی داخل بوده است. این قرینه حکایت می‌کند که راه انتقال این مرقع از هند به ایران راهی غیر از ارمغانهای نادری بوده است، علاوه بر این، در اسناد تاریخی مربوط بدان عصر که تفصیل هدایا و تحفه ارمغانهای هند را یاد کرده‌اند اشاره‌ای به وجود آن نمی‌رود.

اصولاً باید به یاد آورد که در فهرست پیشکشهای محمد شاه به نادر^{۲۳} تحفه‌هایی که نادر از سفر هند یا سفرهای دیگر به ایران آورده است بندرت سخن از کتاب می‌رود و در دو سه موردی که این مطلب ارائه شده یکی هم مربوط است به

کتاب مصور رموز حمزه یا امیر حمزه (درین مقاله حمزه نامه)؛ کتابی بزرگ و مصور که هزار و چهار صد تصویر داشته و قطع آن در حدود قطع قرآن سمرقند امیر تیمور است، که برخی صفحه‌های آن پس از اوراق شدن در کتابخانه آستان قدس رضوی وارد است^{۲۳}، سپس استاد محیط متنی را از عالم آرای نادری آورده‌اند که می‌تواند معرف علاقه‌مندی هر دو پادشاه به تملک این اثر مهم باشد بدین شرح:

«دیگر از جمله هدایا، کتابی بود مشهور به رموز حمزه که با خوشنویسی بسیار خوب آن را کتابت نموده و نقاشان و صحافان و مذهب‌ان صاحب وقوف، قطعات آن را کتابت نموده و آنها (نقاشان و صحافان) بودند که هر جنگ و جدال و مجلس آرای و عیاری عمر و بنی‌امیه و باقی مقدمات را طوری به تصویر کشیده‌اند که عقل از تصور آن عاجز بود و آن کتاب را به بار دو قطار شتر می‌بستند...

چون دارای زمان خواهش آوردن آن را نمود محمد شاه صمصام الدوله وزیر اعظم را به خدمت گیتی ستان فرستاد و خواهش آن نمود که آن کتاب را چون ملاحظه فرمودند انعام به ایشان فرمایند. حضرت صاحبقران در جواب فرمودند که هرگاه خواهش به نبردن جمیع خزاین را نمایند قبول می‌فرمایم، اما خاطر اقدس تعلق به مطالعه آن کتاب به هم رسانید. انشاء الله تعالی از ممالک ایران خواهم فرستاد و صمصام الدوله معروض داشت که محمدشاه را از بردن خزانه مساوی سرمویی ملال به خاطر آن خطور نمی‌نماید، اما به جهت این کتاب بسیار مکدر خاطر گردیده است. بندگان اقدس میرزا زکی ندیم خاص خود را فرستاد که رفتند و در خدمت پادشاه مذکور معذرت خواهی کتاب را نمود، ناچار محمدشاه سکوت اختیار نمود. هر ورق کتاب مساوی یک ذرع و نیم شاه طول و سه چهار یک عرض داشت و جمیع ورقهای آن را مقوا کرده بودند^{۲۴}...»

استاد محیط پس از نقل این سند چنین استدراک می‌کنند که نادر شاه کتاب را با خود به ایران آورد، اما همان گونه که قول داده بود پس از مطالعه، آن را به هندوستان پس فرستاد، که متن سخن استاد این است:

«نادر پس از بازگشت از هندوستان، یکی دوبار مقداری از فیلمها و هدایا و اشیای گرانبهایی را که از هند با خود همراه آورده بود برای محمد شاه به شاه جهان آباد فرستاد و در مکاتیب میرزا مهدیخان نامه‌ای در این باب در دست است که

اشعار می‌دارد: این اشیاء در دهلی بیش از ایران مورد استفاده خواهد بود. بعید نیست که نادر به وعده‌ای که در حین بازگشت داده بود عمل کرده و نسخه رموز حمزه را به وسیله گنجرام گنجور و میرزامحسن خزانه‌دار به هند برگردانده باشد، زیرا چنانکه می‌دانیم نادر به حفظ عهد و قول خود مقید و بنام بود و بدین نظر است که ذکری از آن اثر مصور در اسناد و مدارک مربوط به پایان عمر نادر و پس از مرگ او نمی‌رود...»

استاد محیط در همین مقاله می‌نویسد: آیا سرنوشت این کتاب چه شد، برای من معلوم نیست، ولی با وضعی که از حجم کتاب می‌شود، نباید کلاً از بین رفته باشد و شاید تمام یا بخشهایی از آن هنوز در محلی در هندوستان و یا خارج موجود باشد.^{۲۵}

هنگامی که این مقاله منتشر شد، بنده در هند بودم و مصمم شدم که درباب حمزه‌نامه تحقیق کنم. نتیجه آن تحقیق را در شماره ۸۵ مجله هنر و مردم تحت عنوان حمزه‌نامه، بزرگترین کتاب مصور فارسی، ارائه کردم و اکنون مقاله حاضر را بر مبنای همان گفتار و با توجه به منابع جدید تهیه کرده‌ام چه امید است پاسخی باشد بر سؤال آن استاد فقید که همیشه به یاد حمزه‌نامه بود.

از جمله منابع تحقیقی، که در کتابخانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی یافته شد کتابی است به نام نقاشی هند و ایرانی نوشته استانی کلارک*^۱ که ظاهراً مسوول بخش هنری موزه است، با یادداشتی کوتاه از سیسیل هارکور اسمیت*^۲. اما در هیچ یک از دو نوشتار نوشته نشده است که کدام موزه، به حدس و گمان این موزه باید موزه بریتانیا باشد، اما چون فقط در موزه متروپولیتن نیویورک ۲۵ عدد از نقاشیهای حمزه‌نام موجود است، می‌توان گفت که این کتاب چاپ شده در مؤسسه کاگستون دهلی نو مربوط است به موزه مزبور در نیویورک. تاریخ مقدمه کتاب مارچ ۱۹۲۱ و تاریخ تجدید چاپ ۱۹۸۸ است، بنابراین، می‌توان گفت که شناسنامه اصلی کتاب از قلم افتاده یا حذف شده و آنچه هست درباره چاپ دوم است.^{۲۶}

در این کتاب که نیمه نخست آن مربوط است به داستان امیر حمزه*^۳، شرح مفصلی درباب این کتاب دارد و سپس ۱۲ تصویر از کتاب را با توضیحات و مطالب

*^۱ - Stanly Clarke

*^۲ - Cecil Harcourt Smith

*^۳ - The Romance of Amir Hamzah (Dastan-i- Amir Hamzah).

مربوط بدان ارائه می‌کند که ظاهراً توسط ظهیرالدین فاروقی تدارک شده است. این معرفی‌نامه خود شامل دو بخش است. یکی خلاصه‌ای از داستان امیر حمزه و دیگری معرفی نقاشیها و در آغاز بخش اول درباره نام کتاب می‌نویسد:

اطلاق حمزه‌نامه به این کتاب درست نیست (به تصور آن محقق، حمزه‌نامه تاریخ حمزه معنا می‌دهد و نباید به این مجموعه که داستان امیر حمزه است، خطاب شود).^{۲۷}

در پایان این گفتار وی پراکندگی نقاشیهای حمزه‌نامه را اینچنین ارائه می‌کند:

در بخش هند، موزه (معلوم نکرده است چه موزه‌ای) بیست و پنج تصویر از نسخه اصلی که ۲۴ تصویر آن در سری نگر کشمیر خریده شده (سال ۱۸۸۱) و این در هنگامی بوده است که پورڈن کلارک*^۱ آنها را در یک عمارت چوبی در پل هواکادال رودخانه جیلیم کشف کرد؛ در این خانه نقاشیها را با چسب به پنجره عمارت چسبانیده بودند تا در زمستان جلو سرما گرفته شود. متأسفانه همه این نقاشیها سخت آسیب دیده‌اند، از جمله اینکه از روی تعصب مذهبی صورتها را با رنگ صورتی آمیخته با کبود محو کرده‌اند.^{۲۸}

بیست و پنجمین نقاشی را ژنرال شیندلر*^۲ در تهران خریده است، از ۱۳۷۵ نقاشی دیگر، ۶۱ پرده در موزه هنر و صنایع وینه نگهداری می‌شود. این نقاشیها را در نمایشگاه سال ۱۸۷۳ وینه در معرض دید عموم قرار دادند و یک نقاشی این مجموعه را به سال ۱۹۱۴ در کاتالوگ موزه طبع و نشر کردند. چند پرده دیگر در موزه‌ها و مجموعه‌های اروپایی و تعدادی هم در فروشگاههای لندن نگهداری می‌شود.

این محقق پس از اشاره به اینکه مقداری از نقاشیها حامل مهر تاریخدار اکبر است (مربوط به سال ۱۵۹۲/۱۰۰۰) و بقیه مهر اورنگ زیب (سال ۱۶۸۸/۱۱۰۰) می‌نویسد که احتمالاً اکبر از تدارک کتاب پشیمان شده و قصد داشته است که نقاشیها را که حامل تصویر قدیسین مسلمان نیز بوده از بین ببرد.^{۲۹}

ریچارد اتینگ‌هوزن*^۳ پراکندگی پرده‌های موجود از حمزه‌نامه را اینچنین ارائه می‌کند: اکنون در سراسر جهان فقط ۱۵۲ قطعه از نقاشیهای حمزه‌نامه را

*^۱ - Sir C. Purdon Clarke

*^۲ - General Schindler

*^۳ - Richard Etinghausen

می‌شناسیم که در موزه‌ها و مجموعه‌ای خصوصی نگهداری می‌شوند. در سال ۱۹۱۲ جنرال منف*^۱ آمریکایی از خواهر احمد شاه آلبومی خرید که با خود به آمریکا برد. محتوای این آلبوم در ۱۹۲۳ در نیویورک حراج شد، که در بین نقاشیهای فروخته شده، ۲۵ تصویر از تابلوهای حمزه‌نامه نیز وجود داشت^{۳۰}. بزرگترین مجموعه از تصاویر حمزه‌نامه به موزه ملی وینه تعلق دارد با ۶۰ نقاشی^{۳۱}.

شش پرده از نقاشیهای حمزه‌نامه نیز در هند نگهداری می‌شود، با این پراکندگی: آکادمی هنری بهارات کلا در بنارس دو عدد، موزه حیدرآباد، موزه بارودا و مجموعه‌های خصوصی سرکاوس جی جهانگیر و اردشیر هرکدام یک تابلو از حمزه‌نامه را مالکند^{۳۲}.

آنچه از حمزه‌نامه در ایالات متحده آمریکا وجود دارد و کاتالگ شده عبارت است از ۲۶ تصویر به شرح زیر:

در موزه متروپلیتن نیویورک پنج عدد، در موزه بروکلین*^۲ چهار عدد، در تالار هنری فریر*^۳ سه عدد، در موزه بستن و مجموعه لویس*^۴ در فیلادلفیا و یک مجموعه خصوصی دیگر، هر یک، دو عدد.

در انستیتوی هنری شیکاگو، موزه فاگ*^۵ کامبریج، بنیاد گئورگیان نیویورک و مجموعه بیکفورد*^۶ کولوندرسن مین کاندف، هر یک، یک عدد که بیشترشان از همان مجموعه جنرال منف اند^{۳۳}.
 اکنون که به پایان مقال رسیده‌ایم، روایتی را که شنیده‌ام اما در جایی نخوانده‌ام نقل می‌کنم:

در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۳ که در وزارت فرهنگ و هنر (هنرهای زیبای کشور در آن روزگار و وزارت ارشاد امروز) سرگرم کار بودم، مرد هنرمند و خوشذوقی مدیریت موزه هنرهای ملی واقع در عمارت نگارستان را برعهده داشت که این بنده گهگاه، به خدمتش می‌رفتم و او داستانهای جالب از عصر قاجار تعریف می‌کرد. این مرد که سالهاست درگذشته و روی در نقاب خاک کشیده، دوستم محمد معیری فرزند دوستعلی معیری (معیرالملک، رجل سیاسی معروف عصر قاجارها و داماد ناصرالدین شاه) بود.

*^۱ - Menef

*^۳ Freer Gallery

*^۵ - Fogg

*^۲ - Brooklin

*^۴ - J.F. Lewis

*^۶ - G.P. Bikford

خاندان معیری همه هنرمند بودند و این آقای معیری هم خود نقاش و بهتر بگوییم رونگار (کپی‌کننده) خوبی بود که دامنه اطلاعاتش وسعت فراوان داشت. از جمله قصه‌هایی که برایم گفت، داستانی بود از احمدشاه، مرد تجددخواه و غربگرا که پادشاهی را فدای این انگیزه کرد.

می‌گفت: من کودک بودم و با دربار مربوط بودم، احمد شاه که در سالهای جنگ جهانی اول به سن بلوغ رسیده پادشاه شده بود، علاقه بسیار به بازی تنیس داشت و ترجیح می‌داد که همبازی فرنگی، آن هم از جنس لطیف داشته باشد. از جمله این همبازیها یکی هم دختر موطلابی زیبایی بود که پدرش به عنوان سفیر اتریش در ایران مأموریت داشت، که این دختر همبازی مطلوب شاه بود.

از جمله هدیه‌هایی که احمد شاه به این خانم زیبا داد مجموعه‌ای آلبوم‌وار از نقاشیهای حمزه‌نامه بود و البته در آن زمان کتابخانه سلطنتی بدون هیچ نظارت در اختیارش بود و این کار بسادگی انجام شد. در باب ارزش مجلسهای حمزه‌نامه تا به حال اقدام جدی صورت نگرفته است. فقط در حدود بیست سال پیش مجله ایلوستریتدویلکی هند در شماره ویژه حمزه‌نامه که حاوی مطالب مهمی درباره سرگذشت حمزه‌نامه بود، بهای هر مجلس این کتاب را در حدود نیم میلیون روپیه، بیش از پنجاه هزار دلار، تعیین کرده بود.

درباره نقاشانی که در طرح و ترسیم مجلسهای حمزه‌نامه مشارکت داشته‌اند نمی‌توان اظهار نظر قاطع کرد، چه در آن تاریخ هنوز امضای هنرمند در کنار تصویرها نقش نمی‌بست و اگر نقاشان دربار اکبر را طراحان این مجلسها بدانیم باید به فهرست نقاشان این دوران که ابوالفضل علامی آورده است نظر بینداریم.

اسامی این هنرمندان در این سیاه آمده است:

دِسوانت Deswant، بساَوَن Basavan، کِسو Kesav، لال (لعل) Lal، موکوند Mukund، مشکین Mishkin، فرخ کلماک (فرخ بیک) Farrokhkalmac، مادهو Madhu، جگن Jagan، ماهِس Mahes، خِم Khem، کرن Karan، تارا Tara، سانولا Sanvala، هری بانس Heribans و رام Ram^{۳۴}.

اهمیت مجموعه حمزه‌نامه، رهاورد نقاشیها و مجلسهای آن است، وگرنه خود کتاب و متن آن فاقد ارزش مهم تاریخی و حتی قصه‌گویی و قصه‌نویسی است و چون خواندن و بازگو کردن داستانهای آن مورد علاقه شخص اکبر بوده است برای

تدارک آن چنین اقدامات پرهزینه‌ای به عمل آمده. ابوالفضل دانشمند معروف عصر اکبر، در نامه‌ای به شاهزاده دانیال پسر اکبر و حکمران دکن نوشته و به وی اندرز می‌دهد و در مورد خواندن کتاب چنین می‌نویسد:

«چون از میدان چوگان بازی بازگشت نمایند تا پاسی از شب در غسلخانه بر مسند عزت بنشینند و با مردم خوب صحبت دارند و خلوت گزینند، چنانکه اکثر کتابهای تاریخ و قصص و اخلاق مثل تیمورنامه و سکندرنامه و بابرنامه و همایون نامه و اکبرنامه و شاهنامه و تاریخ طبری میرخجند و حبیب السیر و ظفرنامه و اخلاق ناصری و جلالی و غیره در مجلس خوانده باشند تا معلوم شود که بزرگان ما تقدّم چه سان سیر و سلوک نموده‌اند و چه نوع کارزار فرموده‌اند، چه از خواندن اینها دل را قوتی و جگر را همتی به هم می‌رسد، بخلاف لیلی و مجنون و خسرو و شیرین و یوسف و زلیخاکه در مغز خللی به هم می‌رسد و از عشق سودای حاصل می‌آید. عاشقی کار دیگر، شمشیرزنی کار دیگر... و قصه خوانان را از امر شود تا قصه امیر حمزه عرب را رضی الله عنه می‌خوانده باشند اگرچه از آن چندان صحبت نیست ولیکن درین وادی دخل کلی دارد»^{۳۵}.

کارشناسان اروپایی نیز برای محتوا و جوهر این قصه ارزشی قایل نیستند، از جمله کلارک در صفحه دوم کتاب خود می‌نویسد که این متن نه داستان است و نه تاریخ، و اطلاق حمزه‌نامه به آن را نیز جایز نمی‌شمرد و می‌نویسد که مجموعه‌ای است از قصه‌های بچگانه غیر قابل قیاس با هزار و یک شب عربی و فارسی. حمزه‌نامه هنوز به هیچ زبان اروپایی ترجمه نشده است^{۳۶}. درباره نویسنده یا گرد آورنده داستانها نیز هنوز نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد. کلارک مزبور می‌نویسد که در یک نسخه خطی حمزه‌نامه که در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود به شاه ناصرالدین محمد (نصیرالدین طوسی) و در کاتالگ موزه هنری در سدن وینه متن کتاب به ابوالمعالی رقیب نصیرالدین (مورخ حدود سال ۱۲۷۰ م) نسبت داده شده و در یک نسخه خطی، ترجمه هندی، کتاب منسوب است به ملا جلال بلخی و بر مبنای نسخه‌ای که اخیراً کشف شده است عباس برادر حمزه سیدالشهدا مصنف آن است^{۳۷}.

درباره نام این مجموعه که اکنون به حمزه‌نامه شهرت دارد و رموز امیر حمزه و داستان امیر حمزه و جنگنامه و قصه‌های امیر حمزه نیز بدان گفته شده، رموز

حمزه دارای قدمت و اصالت بیشتری است. کلارک سابق‌الذکر بدون ارائه دلیل اطلاق حمزه‌نامه به کتاب را رد می‌کند و نادرست می‌خواند، اما درباره شخصیت حمزه یا امیر حمزه هنوز نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد و بیشتر نویسندگان این قهرمان مسلمان را حمزه عموی پیامبر می‌دانند و برخی نیز وی را همان حمزه پسر آذرک که در تاریخ ایران از شهرت کافی برخوردار است و یک قهرمان ملی است می‌دانند. بهرحال، جای این بحث در این گفتار نیست و خود نیاز به تحقیق جدیدی دارد که با بهره‌مندی از مجموعه فهرستواره می‌توان پدید آورد^{۳۸}. در این مقاله هدف ما معرفی تصویرهای حمزه‌نامه بوده است با نقاشیهایی که در سال ۱۹۴۸ در هند برای هر قطعه از آن، ۵۰/۰۰۰ دلار ارزی قایل شدند^{۳۹}. در پایان مقال بی‌مناسبت نیست که دو نسخه خطی حمزه‌نامه را که در هند موجودند و نگارنده خود آنها را دیده است معرفی کنم:

در کتابخانه خدابخش پتنا، زیر شماره ۷۶۸، یک نسخه حمزه‌نامه به نام قصه امیر حمزه ثبت شده است، نسخه‌ای ناقص بدون نام کتاب و نویسنده و تصویر. بیشتر داستان در این بخش مربوط به ابومسلم نصر سیار و مدراب شاه است و شروع کتاب چنین است: ...
رفتن نصر سیار به طرف خراسان:

فریاد زد دست فلک بی بنیاد انسانی و مظالم هرگز گره بسته کس را نگشاد

پایان کتاب داستان چهل و سوم است که با این جمله آغاز می‌شود:
امیر دلاور قلعه بغداد اسلام آباد کردند الخ، مجموع اوراق کتاب ۳۴۷ است^{۴۰}.
در کتابخانه رضا رامپور (ریاست) نیز دو نسخه از حمزه‌نامه وجود دارد:

الف: نسخه شماره ۳۰۴۶ تحت عنوان رموز حمزه از طبقه کتابهای داستان و قصص فارسی در ۳۴۵ صفحه به قطع وزیری خط نستعلیق با این آغاز:

(بسم الله الرحمن الرحيم) به رنگ سیاه که در دو طرف آن (رب یسرو تمم بالخیر) با مرکب سرخ نوشته شده است، پس از الحمدلله ... این قصه‌ای است مشهور در عرب و عجم، داستان اول کشته شدن خواجه نخست از دست القش و زیر... آخرین داستان: داستان هفتاد و سوم آمدن پریان... (۷۱ و ۷۲ شهادت و دفن کردن حضرت امیرحمزه است) پایان کتاب: تمت تمام شد کتاب امیرحمزه صاحب قرآن (!) از تحریر فی التاریخ غره شهر رجب روز جمع سنه ۱۱۸۵ هجری نوشته هیبت الله.

الهی بیامرز این هر سه را مصنف نویسنده خواننده را

ب: نسخه شماره ۳۰۴۶ در ۵۷۱ صفحه با جدول طلائی و مرکب سیاه و سرخ.
 شروع ص ۱ (الجزو اوّل قصه امیر حمزه رب یسر آغاز قصه امیرالمؤمنین حمزه
 رضی الله عنه روایت می‌کنند... در صفحه ۲ (نیمه صفحه اوّل و نیمه صفحه دوم
 سفید مانده است، شاید می‌خواستند آن را جدولبندی و تزیین کنند) پیشوای
 لشکر کوه قاف و کوه البرز... داستان اوّل چنین روایت کرده‌اند که در قرون ایران زمین
 در شهر مداین پادشاهی بود که او را قباد شهر یاد گفتندی... آخرین داستان: هفتاد و
 سوم شهادت یافتن... پایان جنگنامه حضرت امیر حمزه رضی الله عنه از دستخط
 شیخ الاسلام فاروقی النها نوی وقت دو سپهر روز شنبه در مقام... به موجب ارشاد
 بیگم صاحب والده نواب احمد علیخان بهادر... به تاریخ دوم شهر ذیحجه ۱۲۱۷
 هجری ۴۱.



پانویسها:

- ۱- منشور الوهیت و دستور الحکومت تصنیف میان نور محمد والی سند از خاندان کلهور هنگام لشکرکشی نادرشاه افشار به هندوستان، به تحقیق و تصحیح پیر حسام‌الدین راشدی حیدرآباد سند ص ۱۵.
- ۲- عصر بابرین هند را در متون اروپایی با کلمه Moghul مشخص می‌سازند که البته با مغول، خاندان چنگیز متفاوت است و، در شیوه‌نامه دانشنامه زبان و ادب فارسی شبه قاره به جای آن، خاندان بابری و عصر بابری به کار می‌بریم.
- ۳- غروی مهدی، گلیدن بانو و کتابش. هنر و مردم. ش ۹۱، ص ۳۴.
- ۴- غروی مهدی، حمزه‌نامه بزرگترین کتاب مصور فارسی. هنر و مردم. ش ۸۵، ص ۳۱.
- ۵- از جمله کتابهایی که برایش خوانده بودند به اخلاق ناصری و کیمیای سعادت، قابوسنامه، گلستان و بوستان سعدی، جام جم اوحدی، شاهنامه و دیوان بیشتر شاعران اشاره می‌شود ابوالفضل علامی اکبرنامه ج ۱. ص ۳۷۱.
- ۶- غروی مهدی، حمزه‌نامه بزرگترین کتاب مصور فارسی، هنر و مردم. ش ۸۵، ص ۳۲ و پانویس شماره ۸ و ۹.
- ۸- همین مرجع، ص ۳۲ و در برخی مراجع آن را کار عبدالصمد دانسته‌اند: غروی مهدی، خواجه عبدالصمد، هنر و مردم. ش ۱۲۸، ص ۱۴۲ (باید تحقیق شود) و آن را می‌توان نخستین نقاشی سبک ایران و هند دانست، اگرچه اثر سبکهای بومی هندی در آن بسیار کم است. این تصویر قطع بزرگی دارد (۱۲۵×۱۳۵) سانتیمتر که همین قطع‌الگویی شد برای قطع نقاشیهای حمزه‌نامه، هنر و مردم شماره ۸۵ صفحه ۳۲ و پانویس ۶ درباره مرگ ناگهانی همایون در اثر سقوط از پله‌های شیرمندل، و فوت.
- ۹- توبورهاجک نقاشی هندی، این هنرمند کتابی نیز درباره نقاشی ایرانی دارد. هنر و مردم، ش ۸۵، ص ۳۲.
- ۱۰- همین مرجع و هنر و مردم. ش ۱۲۸، ص ۳۳.
- ۱۱- قندهاری، محمد عارف، تاریخ اکبری معروف به تاریخ قندهاری به کوشش سید معین‌الدین ندوی با تجدید نظر امتیاز علی عرشی، رامپور، ۱۹۶۲.
- ۱۲- غروی مهدی، هنر و مردم. ش ۸۵، ص ۳۲ پانویس شماره ۸.
- ۱۳- همین منبع، پانویس شماره ۸، بخش دوم.

- ۱۴ و ۱۵- این نقاشی در مجموعه خانم زاده در سویس نگهداری می‌شود. Maria Sarre، هنر و مردم. شماره ۸۵، پانویس و بازیگری مینیاتور هندی صفحه ۷۹ Indian Miniature .
- ۱۶- غروی مهدی، خواجه عبدالصمد شیرینقلم، هنر و مردم. ش ۱۲۸.
- ۱۷- طبقات اکبری. ج ۳. ص ۵۴.
- ۱۸- بزم تیموریه از سید صلاح الدین عبدالرحمان، ترجمه عبدالقادر هاشمی ص ۱۰۰.
- ۱۹- تذکره مجمع الشعراء جهانگیر شاهی از ملا قاطعی هروی م ۱۰۲۴ به تصحیح دکتر محمد سلیم اختر، دانشگاه کراچی، مرکز تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی، ۱۹۷۹، ص ۵۴. تعداد قصه‌ها در این مرجع ۳۶۰ فقره ذکر شده است به نام قصه‌های امیر حمزه ص ۴۵ و ۴۶.
- ۲۰ و ۲۱- تاریخ و فرهنگ مردم هند. ج ۷، امپراتوری باری. فصل ۲۴، نقاشیهای هند و ایرانی The History and Culture of the Indian Peaple. ۸۰۷ و ۸۰۸ و ۸۱۰ . Volume VII Chapture XXIV Mughul Painting .
- ۲۲- محیط طباطبایی، محمد، تحلیلی از یک سند تاریخی، ص ۴۳، هنر و مردم. ش ۶۱ و ۶۲ ص ۴۱.
- ۲۳- همین مقاله، ص ۴۲.
- ۲۴ و ۲۵- همین مرجع، ص ۴۲.
- ۲۶- اسنانلی کلارک نقاشی و معماری هند و ایرانی: Moghul Art and Architecture . دهلی. چاپ ۲، ۱۵۸۸.
- ۲۷- همین کتاب، مقدمه، صفحه ۲.
- ۲۸ و ۲۹- همین کتاب، صفحه ۳.
- ۳۰- نقاشیهای سلطانها و امپراتورهای هند در مجموعه‌های آمریکایی Paintings of the Emprors of yndia in American Collections. By Richard Etinghausen از ریچارد اتینگهوزن چاپ لالیت کالا دهلی نو هند و نیز کاتالگ مجموعه‌های هنری هندی در موزه بوستون از آناندا کوماراسوامی Ananda Coomaraswamy دهلی ۱۹۳۰.
- ۳۱- بازیگری، نقاشی هندی و هنر و مردم. ش ۸۵، ص ۳۳، زیرنویس شماره ۱۶.
- ۳۲- هاجک، مینیاتور هندی. هنر و مردم. ش ۸۵، ص ۳۳.
- ۳۳- اتینگهوزن ریچارد، نقاشیهای سلطانها و امپراتوران هند در مجموعه‌های آمریکایی، هنر و مردم. ش ۸۵، ص ۳۴.
- ۳۴- تاریخ فرهنگ و مردم هند... ج ۷، فصل ۲۴ نقاشیهای هند و ایرانی ص ۸۱۰ در جلد اول

- آیین اکبری ابوالفضل علامی چاپ نول کیشور ۱۸۸۲ نیز نقاشان عصر اکبر را که شاگردان عبدالصمد بوده‌اند اینچنین نام می‌برد: رونته پساون، کیسو، مکند، مشکین، فرخ قلماق، مادهو جگی، مهینس، کهیمگر، تارا، ساتوله، هرینس و رام، هنر و مردم. ش ۱۲۸، مقاله خواجه عبدالصمد پانویس شماره ۲.
- ۳۵- ابوالفضل علامی رقعات ابوالفضل. چاپ نوول کیشور کانپور، ۱۹۱۳ چاپ ۵، هنر و مردم. ش ۸۵، ص ۳۴.
- ۳۶ و ۳۷- استانی کلارک، نقاشی و معماری هند و ایرانی، ص ۲.
- ۳۸- منزوی احمد، فهرستواره کتابهای فارسی ج ۱، ص ۳۲۴ و ۳۲۵ چ اول، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۳۹- مجله انگلیسی ایلوسترید ویکلی. چاپ دهلی. اکتبر ۱۹۷۱.
- ۴۰- کاتالوگ جامع کتابخانه خدابخش به انگلیسی که ترجمه آن به فارسی در ایران آغاز شده است، جلد ۶.
- ۴۱- برای بررسی نسخ دیگر حمزه‌نامه:
Rieu ii, P. 761
اته Ethé Lndia office Lib. Catalogue Nos 784-785
و نیز منزوی احمد، فهرست نسخ خطی فارسی. ج ۵. انتشارات عمران منطقه‌ای، ص ۳۶۸۴ و فهرست مشترک نسخه‌های خطی ایران و پاکستان از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. ج ۶، ص ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷.